

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده : محمود شاداب
۱۲ اپریل ۲۰۱۸

[مرا یاد آورد]

کس نشد پیدا که در بزم مرا یاد آورد
یک رفیق دستگیری در جهان پیدا نشد
در دل خوبان نمی بخشد اثر آیا چرا؟
آرزوی مرغ دل زین شیوه حیرانم که چیست
در صف عشاق می بالدد دل ناآشاد من
دل کند لخت جگر را نذر چشم گلر خان
باشد آن روزی که آن شوخ فراموش کار من
کیست تا از روی غمخواری درین دشت جنون
عشقري از روی علم و فن نمی سازد غزل
مشت خاکم را مگر بردرگهت باد آورد
تا به پای قصر شیرین نعل فرهاد آورد
سنگ را آه و فغان من به فریاد آورد
تیر خون آلود خود را نزد صیاد آورد
گر به دشنامی لب لعلت مرا یاد آورد
همچو آن طفلی که حلوا پیش استاد آورد
یاد از حال من غمگین ناآشاد آورد
بهر دست و پای من زنجیر فولاد آورد
اینقدر مضمون نو طبع خداداد آورد